



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی

سال پانزدهم، شماره‌ی ۵۲
زمستان ۱۳۹۴، صفحات ۲۲۱-۲۰۵

حمید جلالیان^۱
رضا سلیمانگلی^۲
موسی پسرکلو^۳
رمضان طوسی^۴

فرآیند شهرنشینی و تحول چشم‌انداز زراعی مطالعه موردی: شهر مینودشت طی دوره ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۰۷

چکیده

توسعه شهری در غالب موارد به زیان مرغوب‌ترین اراضی کشاورزی می‌انجامد و علاوه بر گسترش افقی شهر در اراضی کشاورزی، باعث تغییر چشم‌انداز زراعی پیرامون شهر از طریق تغییر کاربری و قطعه‌قطعه شدن بیش از حد اراضی می‌شود. هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل تغییر و تحول چشم‌انداز زراعی در پیرامون شهر مینودشت طی سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۹ می‌پردازد. برای رسیدن به هدف تحقیق، از روش تحقیق نوع ترکیبی (توصیفی-تحلیلی) و تاریخی استفاده شده است. داده‌های آن از روش‌های کتابخانه‌ای (عکس‌های هوایی و تصاویر

E-mail: hamidjalalian@yahoo.com

E-mail: mosapesarakloo@yahoo.com

E-mail: ramezan toosi@yahoo.com

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی تهران.

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد واحد شیروان.

۴- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان.

ماهوره‌ای) و میدانی جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزارهای GIS تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از زمان شهر شدن مینودشت ساختار و کارکرد اراضی پیرامون آن، تحت تأثیر رشد جمعیت شهر و فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی آن پیوسته تغییر یافته است. نتیجه این روند، تغییر و تبدیل کاربری اراضی حاصل خیز منطقه به نفع کاربری‌های شهری به‌ویژه مسکونی بوده است. رشد تقاضا برای زمین در نتیجه‌ی افزایش جمعیت، به همراه بورس‌بازی زمین، سبب شده تا اراضی حاشیه شهر ابتدا از زیر کشت خارج شده و به آیش گذاشته شود، سپس برای تغییر کاربری و فروش قطعه‌قطعه شود. از چالش‌های این پژوهش حاضر دستیابی به اطلاعات عکس‌های هوایی محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: توسعه شهری، چشم‌انداز زراعی، تغییرات کاربری اراضی، شهرستان مینودشت.

مقدمه

با افزایش جمعیت در نقاط شهری، قطعات زراعی اطراف شهر نیز تحت تأثیر مناسبات اقتصادی و اجتماعی، بورس‌بازی زمین جهت ساخت‌وساز به قطعات کوچک‌تری تقسیم می‌شود. "به تدریج با فروش قسمت‌هایی یا حتی تمام زمین‌های روستاییان به متقاضیان اعم از مهاجران وارده، بورس بازان زمین و جز این‌ها و نیز ساخت‌وسازهای قانونی و غیرقانونی، در نحوه کاربری اراضی از کشاورزی به مسکونی، تجاری، صنعتی و مانند این‌ها تغییرهای بنیادین در چشم‌انداز منطقه رخ می‌دهد (ضیاء توانا و قادرمرزی، ۱۳۸۸). بر اساس گزارش آژانس محیط‌زیست اروپا، گستردگی شهری تهدیدی جدی برای محیط‌های روستایی و طبیعت است (فوران^۵، ۲۰۰۹: ۱۲) افزایش جمعیت در شهرها باعث افزایش تقاضا برای زمین و مسکن و در نتیجه، افزایش قیمت زمین‌های کشاورزی روستا و تغییر و تبدیل آن‌ها به کاربری‌های مسکونی، خدماتی، صنعتی و جز این‌ها می‌شود. در چنین شرایطی، کشاورزان نیز به‌منظور کسب درآمدهای هنگفت، بدون کار و کوشش، به بهره یا «رانت» موقعیتی زمین خودآگاه و ترغیب می‌شوند، بدین ترتیب که اراضی زراعی و باغی خود را با حفظ و حراست دقیق‌تر در تثبیت بیش‌تر مالکیت یا تصرف، از گردونه تولید کشاورزی خارج می‌کنند. به بیانی دیگر، چشم‌اندازهای کشاورزی بخشی از چشم‌اندازهای

فرهنگی هستند و بنابراین، "در تکامل چشم اندازهای کشاورزی در سراسر جهان، فعالیت های انسان به عنوان عامل اصلی در شکل دهی و تحول چشم اندازها عمل می کند (براون^۶، ۲۰۱۱). چشم انداز کشاورزی متشکل از واحدهای زراعی است و بر اساس تعریفی که پیر ژرژ ارائه می دهد عبارت است از مجموع زمین هایی که به وسیله یک گروه اجتماعی، با پیوند مشترک خانوادگی و فرهنگی و با سنت های کم و بیش فعال و پایدار در کار دفاع مشترک و همبستگی در بهره برداری مورد استفاده قرار می گیرد این چشم اندازها به شکل سیستم هایی که امروز مشاهده می شوند، نتیجه سال ها کنش متقابل بین محیط طبیعی گیاهان، جانوران و منابع غیر آلی و فعالیت های انسانی است (مارکوس، ۲۰۰۰)، فرآیند تحول در چشم انداز زراعی به مقیاس های زمانی کوتاه مدت شامل ماه و سال (تحول تولید، الگوهای مدیریتی، آتش سوزی و دیگر بلاهای طبیعی)، دوره متوسط شامل قرن (فرسایش، نشست خاک، تحول های جمعیتی، فن آوری و تحول حمل و نقل) و دوره طولانی شامل دوره های زمین شناسی (تغییرات آب و هوایی و تحول و شکل گیری قاره ها) اشاره دارد (مارکوس^۷، ۲۰۰۰). در دوره زمانی کوتاه مدت، فرآیند تحول چشم انداز زراعی از تحول های اقتصادی و اجتماعی تاثیر می پذیرد که در این ارتباط نقش شهرنشینی به عنوان یک عامل برجسته خودنمایی می کند. این مساله، در مورد ایران که به لحاظ طبیعی و تاریخی، روستاها و شهرهای آن در بهترین نقاط از نظر کشاورزی پا گرفته اند، بیش تر به چشم می آید. با در نظر گرفتن عکس های موجود در این زمینه، اهمیت این موضوع در شهرستان مینودشت کاملاً آشکار می گردد شهر مینودشت در استان گلستان نیز در منطقه حاصل خیز کشاورزی شکل یافته است و طی دهه های اخیر گسترش زیادی در اراضی منطقه داشته است، این شهر با افزایش جمعیت خود عمدتاً به دلیل مهاجرت فراوان روستاییان باعث تغییر و تحول هایی در چشم انداز زراعی شده است. در این تحقیق، برای رسیدن به پاسخی مناسب و علمی به سوالات زیر انجام می شود روند تغییر و تحول شهر مینودشت و گسترش فیزیکی و اثر آن بر اراضی کشاورزی پیرامون، از سال ۱۳۳۶ یعنی زمان شهر شدن آن تا آغاز دهه ی ۱۳۹۰ بررسی شده است و همچنین مهم ترین عامل در تحول چشم انداز زراعی شهرستان مورد مطالعه کدامند؟

6- brown

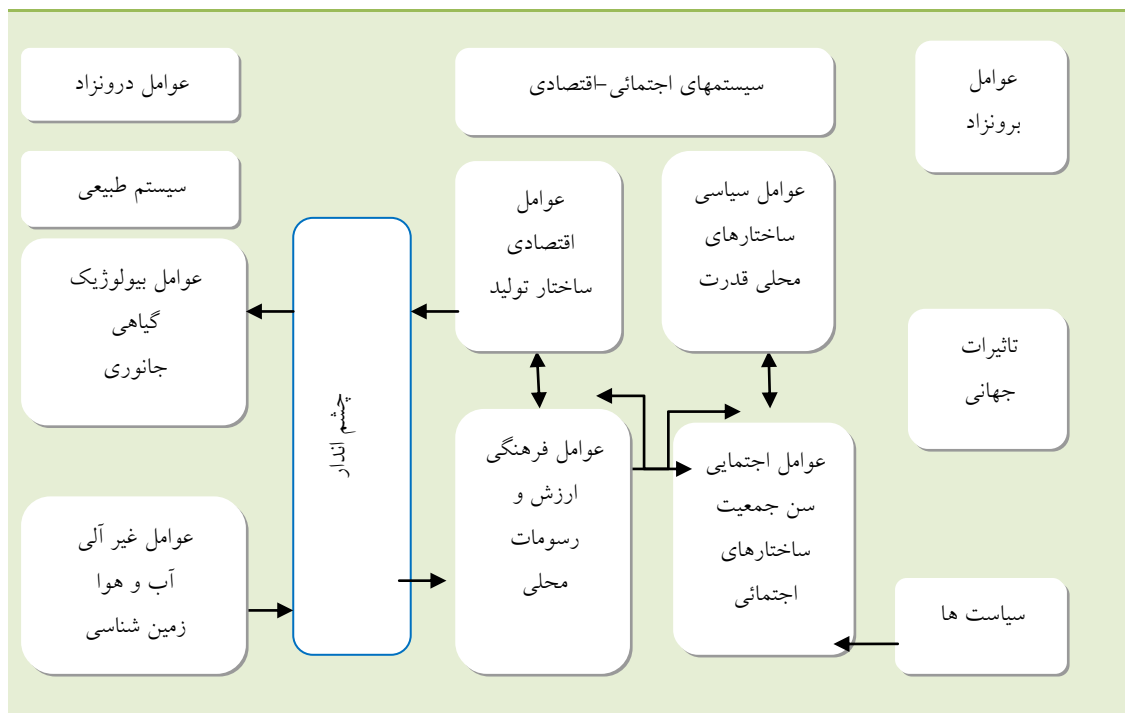
7- Marcucci

مواد و روش‌ها

قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهرستان مینودشت با ۲۵۷/۱۵۷۶ کیلومتر مربع مساحت، در منتهی‌الیه شرق استان گلستان واقع شده است و از شمال با جمهوری ترکمنستان دارای ۱۲۶ کیلومتر مرز مشترک و از جنوب با استان سمنان و از شرق با استان خراسان و از غرب با شهر گنبدکاووس ارتباط دارد. طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، این شهر دارای ۲۸۴۷۸ نفر جمعیت بوده است. تحقیق حاضر از نظر نوع تحقیق، کاربردی است و از نظر روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به صورت پیمایشی انجام شده است. ابزار اصلی این پژوهش، عکس‌های هوایی (مقاطع زمانی ۱۳۳۶ و ۱۳۶۵) و تصاویر ماهواره‌ای منطقه در سال ۱۳۸۹ بوده است. برای بررسی در تحولات ابعاد مختلف چشم‌انداز زراعی طی دوره‌های زمانی از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۹ از عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۶۵ و تصاویر ماهواره‌ای IRS سال ۱۳۸۹ استفاده شده است. در ابتدا عکس‌های هوایی منطقه مورد مطالعه در محیط نرم‌افزاری GIS رقومی شده و سپس کلاس‌های مختلف کاربری اراضی پوشش زمین ۵، اندازه کاربری‌ها، مساحت کاربری‌ها و توزیع فضایی آن‌ها در سال پایه (۱۳۳۶) استخراج شده و سپس با تغییر و تحول‌های صورت گرفته در شاخص‌های مورد نظر در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۹ مقایسه گردید. در این تحقیق برای شکل‌گیری تحول چشم‌انداز زراعی و فرآیند شهرنشینی از عوامل بیرون‌زا و عوامل درون‌زا استفاده شده است (شکل ۱).

در شکل‌گیری و تحول چشم‌انداز زراعی عوامل چندی نقش دارند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به عوامل طبیعی (اقلیم، توپوگرافی، پوشش گیاهی) و مناسبات اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد. تغییر و تحول در چشم‌انداز زراعی به واسطه تعامل فضا و زمان بین ابعاد انسانی و فیزیکی طبیعت صورت می‌گیرد (تونر^۱، ۱۹۹۷). چشم‌اندازهای زراعی به‌عنوان بخشی از چشم‌اندازهای فرهنگی، به مثابه‌ی نظام‌هایی هستند که از مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی تاثیر می‌پذیرند. یکی از جلوه‌های اصلی سیستم‌های اجتماعی-اقتصادی موثر در تغییر و تحول چشم‌انداز زراعی، رشد و گسترش شهرها در نواحی کشاورزی است که رشد و توسعه اقتصادی، نیروی محرک اصلی آن است.



شکل ۱: مدل مفهومی، عوامل درونزا و برونزا در شکل‌گیری و تحول چشم‌انداز زراعی. ماخذ: (کیزوس و کولوری^۱، ۲۰۰۵).

شهرنشینی در حاشیه شهرهای ناحیه‌ای به‌وسیله سهم بالایی از ساکنان غیر زراعی مشخص می‌شود، بعضی از آن‌ها از دیگر نواحی مهاجرت کرده‌اند و برخی دیگر در درون همان ناحیه شهری جابه‌جا شده‌اند. بخش عمده تحول‌های جمعیتی در قرن بیستم ظهور کرد و بر روی توسعه کشاورزی، روستایی و امنیت غذایی به‌طور عمیق اثر گذاشت. در چند دهه گذشته، شهرها هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای درحال توسعه، به‌عنوان شکل اصلی سکونت‌گاه انسانی پدیدار گشته‌اند. باین‌حال، میانگین رشد شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه ۲/۳ درصد و جهان توسعه‌یافته نیز ۰/۰۴ درصد می‌باشد. رشد و توسعه همه‌جانبه و فراگیر شهرنشینی، فرآیندی در حال تکوین و گریزناپذیر است و در بیش‌تر کشورهای جهان جریان دارد (پاتر و ایوانز، ۱۳۸۴: ۱۸) طی مسیر شهرنشینی سریع و تمرکززدایی جمعیت و فعالیت در کشورهای مختلف دنیا، هرچند با تفاوت زمانی کم یا زیاد، پیموده شده و یا در حال پیمودن است. این مهم در شهرهای مختلف دنیا با تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی، تجاری، صنعتی

و... همراه است (دهقان، ۱۳۸۵: ۱۵۰). در واقع، نابودی اراضی کشاورزی از ویژگی‌های آشکار توسعه‌ی شهرها است، چراکه زمین‌هایی که کاربری شهری دارند، ارزش بهره اقتصادی بسیار بیش‌تری نسبت به فعالیت‌های کشاورزی ایجاد می‌کنند و بدین ترتیب، اراضی واقع در حاشیه‌ی شهرها خریداری و برای مقاصد چون ایجاد مسکن و یا اهداف صنعتی تغییر کاربری می‌یابند (گریک، ۱۳۸۲: ۱۷۱). از فرآیند گسترش شهرها در نواحی پیرامونی که اغلب، بار منفی به همراه دارد، با اصطلاح خزش شهری نیز نام برده شده است. خزش شهری یا به عبارتی پراکنده‌رویی شهری، بیانگر رشد و گسترش بی‌قواره‌ی شهر در اراضی پیرامونی است بدون این‌که برنامه‌ریزی شده باشد (مشگینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷). فو، هو، چن، هانی و جولینگ (۲۰۰۶)، در پژوهشی تحت عنوان "ارزیابی تغییرات در الگوی چشم‌انداز زراعی در ایالت آنسای چین به این نتایج دست یافتند تحول چشم‌انداز زراعی تنها توسط عوامل اقتصادی و اجتماعی صورت نگرفته، بلکه سیاست‌های دولت در چند دهه گذشته، مانند برنامه‌های حفاظت از اکوسیستم، حبوبات سبز و... باعث کاهش سهم محصولات زراعی غالب و افزایش میزان درصد چشم‌انداز مختلط چمن‌زار-کشت‌زار و چمن‌زار-درختستان شده است. وو، چانج، زایو، وانگ، یانگ و الیس (۲۰۰۹)، در پژوهشی تحت عنوان تحول چشم‌انداز زراعی در دلتای یانگ تسه چین بین سال‌های ۱۹۴۲ تا ۲۰۰۲ به این نتایج دست یافتند که چشم‌انداز زراعی روستایی چین در چند دهه اخیر به دنبال تحولات بی‌سابقه در تکنولوژی کشاورزی، افزایش جمعیت و سیاست‌های توسعه روستایی تحولات شگرفی را تجربه کرده است، از اهم این تحولات؛ کاهش کاربری برنج، افزایش سطح ساخت‌وساز، افزایش سطح پرورش آبزیان و افزایش سطح در بعضی از گونه‌های درختان جنگلی می‌باشد.

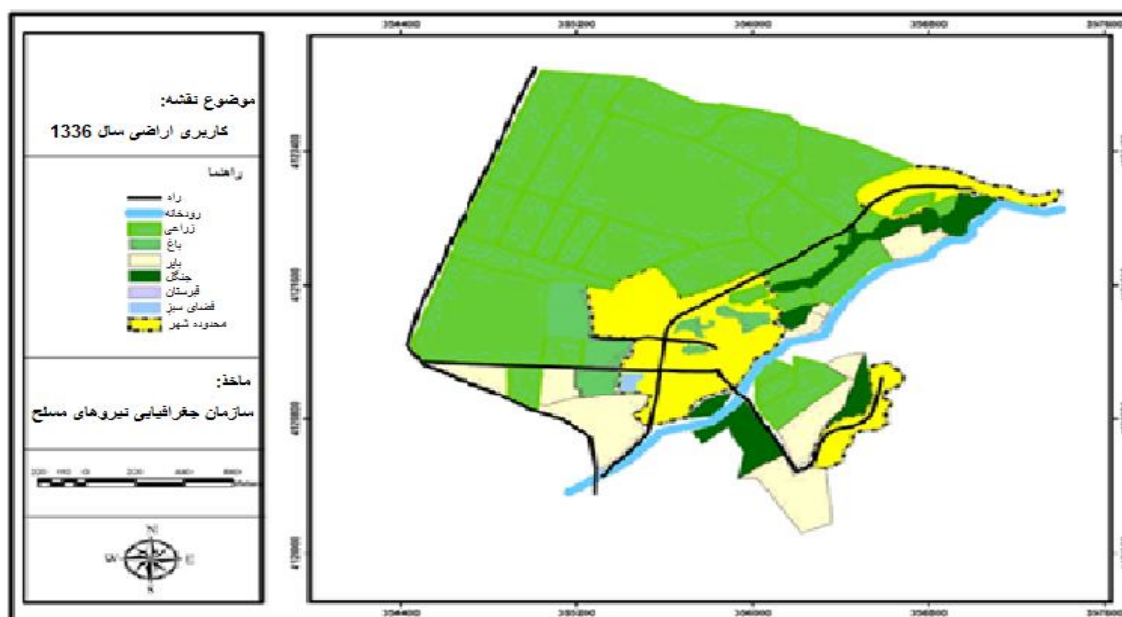
کوی وو (۲۰۰۲) در پژوهش خود تحت عنوان "چشم‌انداز و مدرنیزه شدن کشاورزی" در سه منطقه فنلاند بین سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۹۸ به این نتیجه رسیده است که مدرنیزه شدن کشاورزی عامل اصلی تحول چشم‌انداز زراعی و قطعه‌قطعه شدن و توزیع متفاوت قطعات در منطقه مورد مطالعه است.

زنگنه تبار، جهانبخش، تحول ساخت زراعی در مناطق روستایی کرمانشاه، زنگنه تبار در این بررسی به این نتایج دست یافته است که عوامل طبیعی، ویژگی‌های اجتماعی، مالکیت، نزاع‌های محلی و میزان بهره‌وری از تکنولوژی در ساختار زراعی در تحول و شکل بخشی به ساختار زراعی منطقه موثر بوده است.

مرادی تحولات مورفولوژی زراعی سکونت‌گاه‌های روستایی که در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که عواملی همچون اصلاحات ارضی، رواج خرده مالکی، به‌کارگیری تکنولوژی مدرن و تغییر در روابط شهر و روستا را از عوامل موثر در تحولات مورفولوژی زراعی روستاها می‌باشد.

یافته‌ها و بحث

چشم‌انداز طبیعی ناحیه شهر مینودشت حاصل عوامل و عناصر طبیعی نظیر توپوگرافی متنوع دشت و اراضی پایکوهی، الگوی بارش منظم و قابل توجه، وجود خاک حاصلخیز، دمای مناسب و سایر فاکتورهای طبیعی بوده است که پوشش اراضی جنگلی و چمن‌زار را عرضه کرده است (شکل ۲). اراضی کشاورزی و سپس رشد و گسترش شهر مینودشت در چنین بستر طبیعی صورت گرفته است. در این پژوهش، تغییرات کاربری اراضی پیرامون مینودشت در سه دوره زمانی بررسی شده است که در ادامه ارائه می‌شود دوره اول (۱۳۳۶): الف- چشم‌انداز زراعی و شهری ۱۳۳۶ در این زمان عوامل و عناصر طبیعت در چشم‌انداز ناحیه مینودشت غلبه دارد که ترکیبی از جنگل، چمن‌زار، پهنه‌های آبگیر و اراضی کشاورزی است.



شکل ۳: چشم‌انداز زراعی و شهری مینودشت در سال ۱۳۳۶ (ماخذ: عکس هوایی مینودشت)

در این دوره کاربری اراضی کشاورزی و شهر به‌طور پیوسته در کنار یکدیگر قرار دارند. همان‌طور که پیداست چشم‌انداز غالب منطقه چشم‌اندازی طبیعی-زراعی است که تحت تاثیر عناصر طبیعی شکل گرفته که نمود بارز آن وجود عرصه‌های جنگلی و مراتع و اراضی کشاورزی وسیع می‌باشد و تحت شرایط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن دوره بیش‌تر این اراضی به کشت پنبه اختصاص می‌یافت (جدول ۲)، ولی با گذشت زمان و تحت تاثیر تحولات صورت گرفته از جمله اصلاحات ارضی، چشم‌انداز زراعی و طبیعی منطقه کم‌کم دچار تغییر و تحول گشت که یکی از عوامل ساختاری، افزایش جمعیت شهر بوده است.

جدول ۱- سهم کاربری‌های مختلف در مینودشت (سال ۱۳۳۶)

کاربری	زراعت	مسکونی	باغ	جنگل	بایر
مساحت (درصد)	۶۷	۱۰	۵	۹	۹

بر اساس جدول (۲)، حدود ۶۷ درصد از کل مساحت منطقه را بخش زراعت که عمدتاً به کشت پنبه اختصاص می‌یافت تشکیل می‌دهد و چشم‌انداز شهری مساحتی حدود ۱۰ درصد از کل مساحت منطقه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد.

سهم اراضی بایر ۹ درصد می‌باشد که نکته قابل توجه در این میان وجود پوشش جنگلی است که سهم ۹ درصدی از مجموع مساحت ناحیه را در بر دارد.

قطعات کاربری‌های زمین

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که چشم‌انداز غالب فضای مورد مطالعه تحت تاثیر فعالیت‌ها و کارکردهای کشاورزی به‌طور عام و زراعی به‌طور خاص است؛ به عبارت دیگر ۵۲ درصد از تعداد قطعات دارای کارکرد و فعالیت زراعی هستند.

از نکات قابل توجه وجود عرصه‌های جنگلی در بافت شهری است که این قطعات ۱۱ درصد از مجموع قطعات کاربری زمین را تشکیل می‌دهند که به‌طور نامنظم در بافت شهری پراکنده شده‌اند. بررسی مورفولوژی زراعی نیز نشانگر آن است که قطعات در اندازه نسبتاً بزرگ و به لحاظ شکل نیز دارای شکل بلوک مانند منظم هستند که این وضعیت تحت تاثیر نظام زمین‌داری بزرگ مالکی در منطقه بوده است.

جدول ۲- توزیع فضایی تعداد قطعات کاربری‌های زمین در محدوده شهر مینودشت (۱۳۳۶)

کاربری	تعداد قطعات	کوچک‌ترین قطعه (مترمربع)	بزرگ‌ترین قطعه (مترمربع)	میانگین قطعات (مترمربع)
زراعت	۲۸	۷۸۰۹	۴۷۹۱۳۳	۸۴۰۲۹
باغ	۶	۵۷۸۶	۶۱۰۲۸	۲۷۰۱۹
بایر	۹	۵۰۰۱	۹۸۸۱۹	۳۶۸۴۹
جنگل	۶	۱۴۲۷۱	۱۷۳۴۵۰	۵۴۴۷۳
فضای سبز	۱	۹۵۲۱	۹۵۲۱	۹۵۲۱

جدول ۳- مساحت قطعات کاربری‌های زمین در محدوده شهر مینودشت (۱۳۳۶)

تعداد قطعات (%)	مساحت (مترمربع)
۵۱	۳۴۰۹-۲۳۴۲۲
۲۳	۲۳۴۲۳-۱۱۹۷۱۰
۲۱	۱۱۹۷۱۱-۲۰۸۷۵۲
۳	۲۰۸۷۵۳-۴۷۹۱۳۳

مساحت کاربرهای زمین

نتایج جدول شماره (۳) مساحت قطعات کاربری‌های زمین در محدوده شهر را در سال ۱۳۳۶ نشان می‌دهد که بیانگر نظام بزرگ مالکی در منطقه مینودشت است.

علاوه بر این، کم بودن جمعیت شهری نیز در بزرگی ابعاد و اندازه قطعات کاربری اراضی تاثیر بسیاری گذاشته است که ۵۲ درصد قطعات مساحتی کم‌تر از $\frac{3}{2}$ مترمربع وسعت دارند و تعداد مجموع این قطعات ۲۷ قطعه می‌باشد.

قطعات بین ۲ تا ۱۱ هکتار ۲۳ درصد مساحت را شامل می‌شوند که تعداد آن‌ها ۱۲ قطعه است. همچنین قطعات بین ۱۱ تا ۲۰ هکتار ۲۱ درصد مساحت که ۱۱ قطعه از مجموع تعداد قطعات را شامل می‌شوند و کم‌ترین درصد مساحت قطعات (۴ درصد) مربوط به گروه ۴۷-۲۰ هکتار می‌باشد که تعداد دو قطعه را در برمی‌گیرد

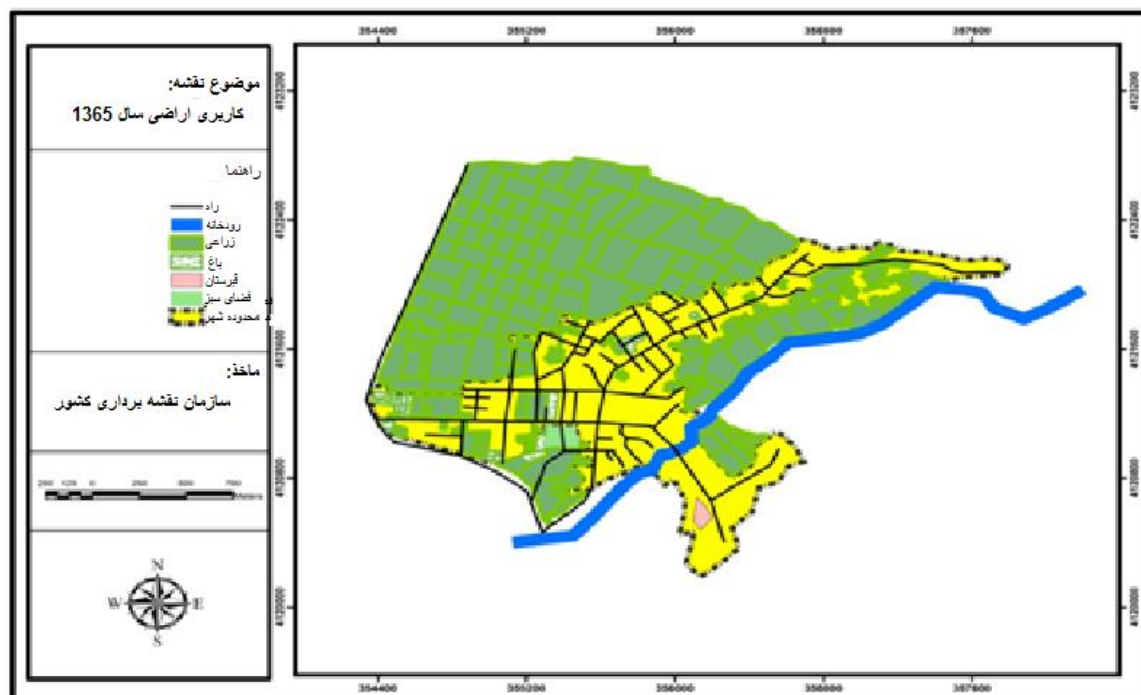
دوره دوم: سال ۱۳۶۵

چشم‌انداز زراعی و شهری

با گذر زمان و تحول‌های اجتماعی و سیاسی از جمله اجرای قانون اصلاحات ارضی در ناحیه، شهر مینودشت نیز تحولات نسبی را پذیرا گردید. نمود کالبدی-فضایی این تحول‌ها، توسعه فیزیکی شهر و تبدیل اراضی زراعی به چشم‌انداز شهری بود که عمدتاً تحت تاثیر مهاجرت‌های روستا-شهری قرار داشت.

نقشه کاربری اراضی (شکل ۴) نشان می‌دهد در این دوره بافت شهری که در دوره قبل بافتی منفصل و چندتکه بود، در این دوره به صورت یکپارچه درآمد که اکثر خانه‌ها حول محور اصلی بافت استقرار یافتند.

در این دوره هرچند کاربری اراضی شهری شروع به گسترش روی اراضی کشاورزی نموده ولی کاربری زراعی به‌طور انبوه در حاشیه بافت شهری وجود دارد؛ به عبارت دیگر در این دوره کاربری‌های شهری از سایر کاربری‌ها منفک شده و پیوستگی آن‌ها از بین رفت. جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که گسترش فیزیکی شهر مینودشت بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵، تغییر و تحول زیادی بر چشم‌انداز منطقه گذاشته است. آمار و ارقام نشان می‌دهد که بسیاری از کاربری‌ها به ساخت‌وساز اختصاص یافتند (۴۱ درصد کل مساحت منطقه) و به دنبال افزایش جمعیت که ناشی از افزایش طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های روستایی است، اراضی بایر و پوشش جنگلی به زیر کشت محصولات کشاورزی رفتند (۵۶ درصد کل مساحت منطقه به فعالیت‌های زراعی اختصاص یافت)، باغات نیز ۲ درصد و مابقی را سایر کاربری‌ها تشکیل می‌دهد. در این دوره در بافت شهری مینودشت اثری از عرصه‌های جنگل و اراضی بایر دیده نمی‌شود که به اراضی زراعی و ساخت‌وسازهای شهری تغییر کاربری یافته‌اند. در زمینه نوع محصول کشت‌شده یادآور می‌شود که محصول غالب زراعی در این دوره، گندم است؛ به عبارت دیگر به دنبال تحول‌های سیاسی صورت گرفته در سطح کشور از جمله جنگ تحمیلی و نیاز کشور به مواد غذایی، دولت سیاست‌های تشویقی کشت گندم از جمله خرید تضمینی را اعلام کرد و در مقابل میزان حمایت‌های خود را از تولید پنبه کاهش داد که منجر به افزایش سطح زیر کشت گندم در سطح منطقه و کاهش سطح زیر کشت پنبه گردید.



شکل ۴: چشم انداز زراعی و شهری مینودشت در سال ۱۳۶۵ (مأخذ: عکس هوایی ۱۳۶۵)

جدول ۴- سهم کاربری های زمین در محدوده شهر مینودشت (سال ۱۳۶۵)

کاربری	زراعت	باغ	مسکونی	فضای سبز
مساحت (درصد)	۵۶	۲	۴۱	۱

مأخذ: یافته های تحقیق (بر اساس عکس هوایی ۱۳۶۵)

تعداد قطعات کاربری های زمین

در سال های بین ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۵، تعداد اراضی زراعی از ۲۸ قطعه در سال ۱۳۳۶ به ۲۲۲ قطعه در سال ۱۳۶۵ و تعداد باغات از ۶ قطعه در سال ۱۳۳۶ به ۲۳ قطعه در سال ۱۳۶۵ رسیده است (جدول ۵). همچنین کاهش شدیدی در میانگین قطعات زراعی و باغی مشاهده می شود که به ترتیب به ۱/۱ و ۰/۲۷ هکتار کاهش یافته است، در حالی که میانگین مساحت قطعات زراعی و باغی در سال ۱۳۳۶ به ترتیب ۸/۴ و ۲/۷ هکتار بود... به عبارت دیگر مرفولوژی زراعی منطقه دچار تغییر و تحول هایی در ابعاد مختلف از جمله کاهش اندازه کاربری ها، از بین رفتن پوشش هایی

مانند اراضی بایر و عرصه‌های جنگلی گشت. اجرای مراحل اصلاحات ارضی، افزایش جمعیت، قانون ارث و بورس‌بازی زمین سبب شد تا اراضی کشاورزی به‌شدت قطعه‌قطعه و پراکنده شدند، ولی به لحاظ شکل، اراضی زراعی و باغی از شکل هندسی منظم‌تری نسبت به دوره قبل برخوردار شدند.

از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ نفوذ انسان شهری در عرصه‌های طبیعی و زراعی بیش‌تر شد. در سال ۱۳۶۵ مساحت قطعات زراعی نسبت به سال ۱۳۳۶ به‌شدت کاهش یافت. ۵۴ درصد از اراضی کشاورزی مساحتی بین ۰/۱ تا ۰/۷ هکتار، ۳۰ درصد از اراضی کشاورزی مساحتی بین ۰/۷ تا ۱/۸ هکتار، ۱۱ درصد از اراضی مساحتی بین ۱/۸ تا ۳/۵ هکتار و ۵ درصد اراضی مساحتی بین ۳/۵ تا ۶/۶ هکتار دارند (جدول ۶)، که نشانگر رشد خرده مالکی در این منطقه هستند.

جدول ۵- توزیع فضایی تعداد قطعات کاربری‌های زمین در منطقه شهری مینودشت (۱۳۶۵)

کاربری	تعداد قطعات	کوچک‌ترین قطعه (مترمربع)	بزرگ‌ترین قطعه (مترمربع)	میانگین قطعات (مترمربع)
زراعت	۲۲۲	۴۰۰	۶۹۹۱۷	۱۱۰۲۸
باغ	۲۳	۶۵۳	۸۷۳۰	۲۷۶۱
فضای سبز	۱	۹۵۲۱	۹۵۲۱	۹۵۲۱
قبرستان	۱	۹۵۱۲	۹۵۱۲	۹۵۱۲

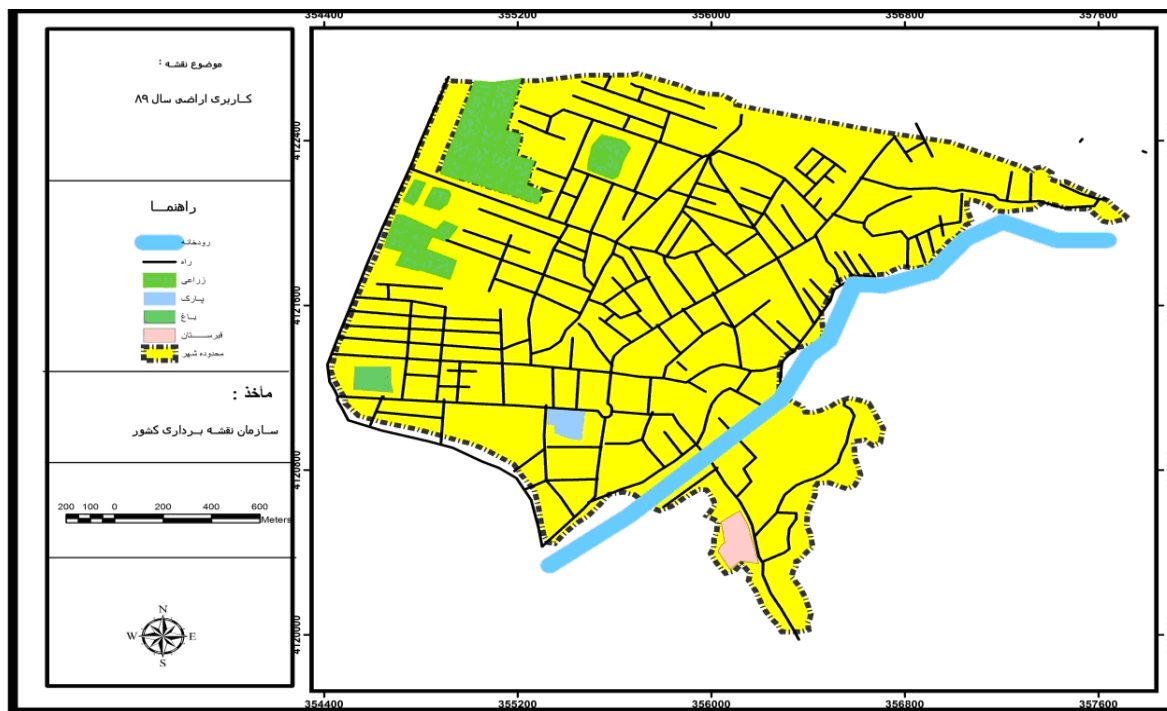
دوره سوم: سال ۱۳۸۹

چشم‌انداز زراعی و شهری

جمعیت شهر مینودشت در سرشماری سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ دو برابر شده که خود عاملی در جهت افزایش نواحی ساخت شده و کاهش چشم‌انداز زراعی بوده است (شکل ۵).

جدول ۶- مساحت قطعات کاربری‌های زمین در محدوده شهری ۱۳۶۵

درصد	تعداد قطعات	مساحت
۵۴	۱۳۳	۱۰۰۰-۷۳۸۷
۳۰	۷۵	۷۳۸۸-۱۸۲۳۲
۱۱	۲۶	۱۸۲۳۳-۳۵۸۲۰
۵	۱۲	۳۵۸۲۱-۶۶۹۱۹



شکل ۵: کاربری زمین در محدوده شهر مینودشت (۱۳۸۹)

در سال ۱۳۹۰، حدود ۹۱ درصد از مساحت منطقه مورد مطالعه را چشم انداز شهری (اراضی ساخته شده) تشکیل می‌دهد، ۵ درصد آن را اراضی زراعی و ۴ درصد را کاربری‌هایی همچون باغ، قبرستان و فضای سبز تشکیل می‌دهد (جدول شماره ۷). در این دوره کاربری‌های شهری تسلط خود را بر اراضی کشاورزی داخل و خارج از بافت گسترش داده‌اند؛ به عبارت دیگر افزایش ساکنان غیر زراعی در حاشیه شهر فشار زیادی بر الگوهای اراضی کشاورزی داشته است. اثر مستقیم توسعه شهرنشینی بر اراضی کشاورزی، خارج نمودن اراضی کشاورزی از کارکرد زراعی و تولیدی آن بود که تبدیل به ساخت‌وساز شهری در بافت و حاشیه بافت شهری شد. اثر غیرمستقیم این تحول‌ها بر اراضی خارج از بافت شهری نیز چشم‌گیر بوده است به گونه‌ای که این اراضی جهت تامین خدمات موردنیاز شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد که مصداق عینی آن کشت صیفی‌ها در حاشیه بافت شهری می‌باشد. به بیانی دیگر، چشم‌انداز زراعی پیرامون شهر مینودشت، تحت تاثیر نیازهای شهر، ویژگی‌های کشاورزی در مناطق نیمه‌شهری را به نمایش می‌گذارد. از ویژگی‌های عمده‌ی کشاورزی در مناطق نیمه‌شهری، فشردگی کشت، تولید محصولات پرارزش کشاورزی، کوچک بودن بهره‌برداری‌ها، قطعه‌قطعه بودن مزارع و تنوع کشت است که عمدتاً

تحت تاثیر نیازها و کارکردهای شهر قرار دارند، با نگاه به نقشه کاربری اراضی می‌توان دریافت که قطعات زراعی به دلیل بازار بورس زمین بسیار کوچک شده‌اند و اکثر این قطعات بین ۳۰۰ تا ۱۵۰۰ مترمربع مساحت دارند. یکی از دلایل اصلی قطعه‌قطعه شدن اراضی در این دوره افزایش قیمت اراضی هست. مالکان به‌جای تولید محصول کشاورزی، اراضی خود را در واحدهای کوچک تفکیک کرده و با قیمت بسیار بالایی برای کاربری‌های شهری به فروش می‌رسانند.

جدول ۷- سهم مساحت کاربری‌های زمین در محدوده شهری (۱۳۸۹)

کاربری	زراعت	مسکونی	فضای سبز	باغ
مساحت (درصد)	۵	۹۱	۲	۲

نتیجه‌گیری

در شکل‌گیری و تحول چشم‌انداز زراعی عوامل طبیعی و مناسبات اجتماعی-اقتصادی نقش دارند. در این میان یکی از عواملی که در حال حاضر اثری تعیین‌کننده در تحول چشم‌انداز زراعی دارد، گسترش و توسعه شهرها در نواحی کشاورزی است. با افزایش جمعیت در شهر مینودشت تقاضا برای کاربری اراضی در حاشیه شهر افزایش یافت که نتیجه آن تحول در الگوهای اراضی کشاورزی بوده است. در سال ۱۳۳۶ که سال پایه این پژوهش است، مینودشت از سه روستای خوردیماق، بایرکن و قداملی تشکیل شده بود. در این زمان، جمعیت شهر ۲۴۹۶ نفر بوده است و در طی دوره‌های سرشماری نرخ رشد متفاوتی را تجربه کرده است. بیش‌ترین رشد جمعیت مربوط به دوره بیست‌ساله ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ بود که در دوره ۵۵-۱۳۴۵ رشدی برابر با ۸/۸۳ درصد و در دوره ۶۵-۱۳۵۵ رشد ۹/۱۱ درصد را تجربه کرده است. یکی از دلایل اصلی رشد جمعیت شهر به‌ویژه طی دوره ۵۵-۱۳۴۵، اجرای طرح‌های عمران منطقه‌ای گرگان و دشت بوده است که با ایجاد پروژه‌های سدسازی و مجتمع‌های کشت و صنعت، سبب جابه‌جایی و مهاجرت جمعیت زیادی به‌ویژه از مناطق مرکز و جنوب کشور (سمنان، سیستان) به منطقه شده است. در دوره ۶۵-۱۳۵۵، افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری سبب رشد جمعیت شده است. تاثیرات فضایی این افزایش جمعیت، گسترش فیزیکی شهر در اراضی زراعی و باغی پیرامون و کاهش اندازه قطعات اراضی بوده است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که خزش شهری در این منطقه بیش‌تر در اراضی درجه‌یک کشاورزی بوده است که تحت

تأثیر این گسترش طی دوره‌های زمانی مختلف اراضی زراعی به قطعات بسیار ریز و سپس به کاربری‌های شهری (مسکونی، تجاری، خدماتی و...) تبدیل شده‌اند. یکی از آثار گسترش شهر در این منطقه از بین رفتن عرصه‌های جنگلی است که در آغاز شکل‌گیری شهر مینودشت به همراه چمن‌زارها و مزارع کشاورزی، چشم‌انداز غالب منطقه بوده است. به دلایل عدم نظارت کافی و همچنین افزایش روز افزون قیمت زمین در منطقه در موارد زیادی قطعات زراعی از کاربری زراعی درآمد و جهت ساخت‌وساز در آینده، به آیش اجتماعی گذارده شده است؛ به عبارت دیگر در طی این دوره بسیاری از اراضی کشاورزی از بین رفته و در حال از بین رفتن است که نیاز است تمهیداتی در این زمینه اندیشیده شود. هدایت گسترش آبی شهر در اراضی درجه‌دو در سمت شمال‌شرقی و جنوب‌شرقی شهر، از طریق تهیه طرح‌های تعیین و توسعه حریم شهر؛ جلوگیری از آیش اراضی در داخل و خارج بافت، از طریق نظارت بر اجرای دقیق قوانین مربوط به حفظ کاربری اراضی کشاورزی؛ تنظیم قوانین و مقرراتی در جهت توسعه عمودی شهر اکثر مساکن شهری یک طبقه‌اند.

Archive of SID

منابع

- پارتو، ب؛ ایوانز، ل (۱۳۸۴)، «شهر در جهان در حال توسعه»، (ترجمه ک، ایران‌دوست، م. دهقان منش؛ م، احمدی)، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- دهقان، م (۱۳۸۵)، «توسعه پایدار در سایه روشن‌های شهر»، تهران، انتشارات مفاخر.
- گریک، د (۱۳۸۲)، «مبانی جغرافیای کشاورزی»، (ترجمه ع، کوچکی، س. دهقانیان و ع. کلاهی اهری)، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- زنگنه تبار، ج (۱۳۸۲)، «تحول ساخت زراعی در مناطق روستایی کرمانشاه»، تهران، انتشارات فاخر.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۳۶)، عکس هوایی مینودشت.
- سازمان نقشه‌برداری کشور (۱۳۶۵)، عکس هوایی مینودشت.
- سازمان فضایی کشور (۱۳۸۹)، تصویر ماهواره‌ای منطقه مینودشت.
- ضیاءتوانا، م. حسن؛ قادرمرزی، ح (۱۳۸۸)، «تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری در فرآیند خزش شهر: مورد روستاهای نایسر و حسن‌آباد سنندج»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، صص ۲۹-۱۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جلد استان مازندران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جلد استان مازندران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جلد استان مازندران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جلد استان مازندران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جلد استان گلستان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جلد استان گلستان.
- مشکینی، ا؛ زنگانه، ا؛ مهدنژاد، ح (۱۳۹۳)، «درآمدی بر پراکنده‌رویی (خزش) شهری»، تهران، جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی.
- مرادی، ح (۱۳۷۹)، «تحولات مورفولوژی زراعی سکونت‌گاه‌های روستایی»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.

- Brown, P., Lisa, A., (2011), "Agricultural Landscape Change (1937-2002), in three Townships in Iowa, USA", *Journal of landscape and urban planning*, 100 (2011): 202-212.
- Foran, M., (2009), "Expansive discourses urban sprawl in calgary: 1945- 1978", Athabasca University, ltd 1200, 10011-109 Street Edmonton, AB T5J 3S8.
- Fua, B., Hua, C., (2006), "Evaluating change in agricultural landscape pattern between 1980 and 2000 in the Loess hilly region of Ansai County, China", *Journal of Agriculture, Ecosystems & Environment*, 125, (3): 345-361.
- Kizos, T., Koulouri, M., (2005), "Economy, demographic changes and morphologic transformation of the agricultural landscape of Iesvos, Greece, Research in *Human Ecology review*, vol.12, no.2.
- Marcucci, D.J., (2000), "Landscape history as a planning tool", *Journal of landscape and urban planning*, 49: 67-81.
- Turner, M., G., (1997), "Landscape change in nine rural counties in Georgia", *Remote sensing*, 56: 379-386.
- Wu, J., Cheng, X., (2009), "Agricultural landscape change in China's Yangtze Delta, 1942–2002: A case study, Agriculture", *Journal of Ecosystems & Environment*, 129 (4): 523-533.

Archive of SID